



درس فارق فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۰ آبان ۱۳۹۷

موضوع جزئی: مسأله ۱- من ینبغی اختیاره للزواج و من لا ینبغی

مصادف با: ۳ ربیع الاول ۱۴۴۰

سال اول

جلسه: ۱۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

«و مما یناسب تقدیمه علی مقاصد هذا الكتاب أمور: بعضها متعلق بمن ینبغی اختیاره للزواج و من لا ینبغی، و بعضها فی آداب العقد، و بعضها فی آداب الخلوۃ مع الزوجة، و بعضها من اللواحق التي لها مناسبة بالمقام، و هی تذکر فی ضمن مسائل».

بعد از بیان اصل استحباب نکاح در قسمت اول متن تحریر و البته جهاتی که به نوعی مرتبط با این بحث بود، امام(ره) می فرماید: قبل از آنکه به مقاصد اصلی این کتاب برسیم، مناسب است اموری را قبل از مقاصد این کتاب متعرض شویم. اموری که در این بخش امام(ره) به آن اشاره می کنند، چهار امر است:

امر اول: مربوط به این است که ازدواج با چه کسانی شایسته است و با چه کسانی شایسته نیست. «بعضها متعلق بمن ینبغی اختیاره للزواج و من لا ینبغی»، این امر اول است. یعنی چه مرد و چه زن، برخی شایستگی ازدواج دارند و بعضی ندارند. به این امر در ضمن چهار مسأله اشاره می شود؛ مسأله اول تا مسأله چهارم به این جهت مرتبط اند که بیان می کند «من ینبغی اختیاره للزواج» و «من لا ینبغی» چه کسانی هستند. اشاره اجمالی به این دو دسته در بین زنان و مردان می کند.

امر دوم: مربوط به آداب عقد است؛ مقدمات، خود عقد و برخی امور مربوط به آن، در مسأله پنجم اشاره شده است. امر سوم: درباره آداب خلوت با زوجه است. به طور کلی آنچه که از مستحبات و مکروهات مربوط به معاشرت و خلوت با زن، در شریعت وارد شده، در اینجا متعرض می شوند که در ضمن چندین مسأله — از مسأله ۶ به بعد — مورد تعرض واقع می شود.

امر چهارم: لواحق است که با این مقام تناسب دارد. «و بعضها من اللواحق التي لها مناسبة بالمقام»، بعضی از اموری که با مقام مورد بحث تناسب دارند، ذکر می شوند. مثلاً از جمله اموری که تناسب با مقام دارند، بحث نظر به اجنبیه است؛ یعنی نظر مرد به زن و زن به مرد. بحث نگاه کردن و نظر، یک بحث مهمی است که از لواحق این بحث است که به مناسبت مطرح می کنند که زن به شوهر و شوهر به زن می تواند نظر بیفکند ولی به مناسبت، بحث نظر به اجنبیه و اجنبی مطرح می شود. یا مثلاً بحث لمس؛ اینجا لمس اجنبی و اجنبیه از بحث هایی است که مطرح می شود. مثلاً مسأله دست دادن مرد و زن که الان خیلی مورد بحث و گفتگوست، در آنجا قابل بحث و پیگیری است که إن شاء الله متعرض خواهیم شد.

علی ای حال از مسأله یکم تا مسأله بیست و نهم، مسائلی است که قبل از ورود به مقاصد اصلی کتاب، حول این چهار امر مطرح شده است. یعنی ما باید بیست و نه مسأله را قبل از فصل مربوط به عقد نکاح مورد بررسی قرار دهیم که برخی از

این بیست و نه مسأله مربوط به کسانی است که ازدواج با آنها سزاوار است و کسانی که سزاوار نیست؛ برخی به آداب عقد، برخی به آداب خلوت و برخی هم لواحق این امور است که ذکر آن در اینجا مناسب است.

این یک توضیح اجمالی است درباره آنچه که امام(ره) قبل از ورود به بحث و مقصد اصلی این کتاب، در متن تحریر متعرض می شوند. البته تقریباً یازده مسأله اولی، از مسائلی هستند که خیلی بحث استدلالی نیاز ندارند؛ چون نوعاً به مستحبات و مکروهات اشاره کرده که ادله اینها روایات است.

مسأله اول

«مما ینبغی أن یهتم به الإنسان النظر فی صفات من یرید تزویجها، فعن النبی(ص): "اختاروا لنطفکم فان الخال أحد الضجیعین" و فی خبر آخر "تخیروا لنطفکم فإن الأبناء تشبه الأحوال"...».

لزوم دقت در صفات زن

می فرماید از اموری که مناسب و سزاوار است که انسان نسبت به آن اهتمام داشته باشد، دقت و تأمل در صفات کسی است که قصد ازدواج با او را دارد. این دقت و تأمل هم از ناحیه زن و هم از ناحیه مرد توصیه شده و در مسأله یک به هر دو اشاره شده است. آنچه در مسأله یک مورد بحث و اشاره قرار گرفته، اصل لزوم توجه و دقت در خصوصیات روحی و اخلاقی شریک زندگی است. این در واقع زمینه چینی و مقدمه برای ذکر آن صفات است. در ادامه اشاره می کنند که خوب است زن چه صفاتی داشته باشد؛ چه چیزهایی در زن بیش از سایر امور مورد توجه و دقت قرار گیرد؛ و همین طور در مورد مرد. پس در مسأله یک، اصل توجه و اهتمام به این صفات بیان شده است. این امر به استناد برخی روایات است که امام(ره) چهار روایت را در متن تحریر ذکر می کند؛ دو روایت از نبی مکرم اسلام(ص) و دو روایت هم از امام صادق(ع) نقل می کند.

روایت اول: این بود که پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمودند: «اختاروا لنطفکم»، برای نطفه های تان اختیار کنید؛ یعنی توجه داشته باشید که چه زمین و کشتزاری را برای نطفه ها انتخاب می کنید. بدون تأمل و دقت ازدواج نکنید. «فان الخال أحد الضجیعین»، دایی، یکی از همخوابه هاست. یعنی در واقع شخصیت برادر همسر، مبین و معرف خصوصیات و خلیقات همسر است. فرزندی که از ازدواج متولد می شود، در واقع شباهت بسیاری به دایی خود دارد. ممکن است گمان شود که چگونه بدانیم فلان زن چه خصوصیتی دارد؛ ما به آنها دسترسی نداریم. می گوید یکی از راه ها و نشانه ها، نگاه کردن و بررسی خصلت ها و خصوصیتی است که برادر آن زن دارد. «اختاروا لنطفکم فان الخال أحد الضجیعین».

روایت دوم: و فی خبر آخر «تخیروا لنطفکم فإن الأبناء تشبه الأحوال». این روایت بعینه در مصادر روایی ما نیست ولی در کنز العمال، قریب این روایت ذکر شده است. آنچه در کنز العمال آمده چنین است: «تخیروا لنطفکم فإن النساء یلدن اشباه اخوانهن و اخواتهن».^۲ برای نطفه های تان اختیار کنید؛ یعنی کسی را انتخاب کنید که اگر فرزندی از او متولد می شود، دارای خصلت ها و ویژگی های خوب باشد. اینکه می گوید «تخیروا لنطفکم» می خواهد بگوید شما مجبور نیستید، بی گذار به آب نزنید؛ اختیار و انتخاب کنید. معلوم است که اختیار و انتخاب در واقع ملازم با یک نوع بررسی است. چرا؟ تحلیل می آورد:

۱. کافی، ج ۵، ص ۲۳۲، ح ۲؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۰۲، ح ۱۶۰۳؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۴۷، باب ۱۳ از ابواب مقدمات النکاح، ح ۲.

۲. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۹۵.

«فإن النساء يلدن أشباه أخوانهن و أخواتهن»، نساء و زنان، شبیه خواهران و برادران خودشان را می‌زایند؛ پس باید به این خصلت‌ها و خصوصیات دقت شود.

این دو روایت از پیامبر گرامی اسلام (ص) بود.

روایت سوم: «و عن مولانا الصادق (ع) لبعض أصحابه حين قال: قد همت أن أتزوج»، وقتی یکی از اصحاب امام صادق (ع) به ایشان عرض کرد: من قصد دارم که ازدواج کنم، حضرت فرمود: «انظر أين تضع نفسك و من تشرکه فی مالک»، ببین خودت را کجا قرار می‌دهی و چه کسی را شریک در مال خود قرار می‌دهی؛ «و تطلعه علی دینک و سرگ»، ببین چه کسی را بر دین و سر خود آگاه می‌سازی. این توصیه امام (ع) است که دقت کن کسی که قصد ازدواج با او داری، در واقع کسی است که او را شریک در مالت، آگاه بر اسرار و آگاه بر دین و مذهب و عقیده‌ات قرار می‌دهی. به هر حال باید سنخیت بین دین و فکر دو طرف، وجود داشته باشد.

سؤال:

استاد: شما می‌خواهی ماشین بخری همین طوری می‌روی و به اولین مغازه که رسیدی پول می‌دهی و ماشین را می‌آوری؟ وقتی در مسائل ساده‌تر، کوچک‌تر و پایین‌تر انسان اینقدر دقت می‌کند. در مسئله‌ای مانند ازدواج باید دقت کند. در واقع توصیه پیامبر (ص) و امام صادق (ع) این است که نسبت به این مسائل هم اهتمام داشته باشید. کجای این سخت‌گیری است؟ ذات بشر این است که وقتی می‌خواهد حتی یک لباس بخرید یا یک پرتقال بخورد، دقت می‌کند. پیامبر گرامی اسلام (ص) و امام صادق (ع) می‌خواهند این را بفرمایند که نسبت به این مسأله هم اهتمام داشته باشید و ساده نگیرید. منافات ندارد که هم در این امور دقت کند و هم سخت‌گیری نداشته باشد. این برای آن است که مشکلات بعدی پیش نیاید؛ بسیاری از زندگی‌ها به خاطر همین عدم تناسب‌ها به هم خورده و به جدایی کشیده است. بله، آنکه اسلام می‌گوید ساده بگیرید، یعنی چه؟ یعنی خیلی به مال و قیافه توجه نکنید؛ البته نه اینکه زشت باشد. اما راجع به خصلت‌ها و خصوصیات باید توجه شود.

«فان كنت لا بد فاعلا فیکرا تنسب إلى الخیر و حسن الخلق "الخیر"»، می‌فرماید اگر می‌خواهی ازدواج کنی، اگر ناچار به ازدواج هستی، پس دختری را انتخاب کن که نسبت به خیر دارد و منتسب به خیر و حسن خلق است. یعنی مهم‌ترین و برجسته‌ترین ویژگی زنی که می‌خواهی اختیار کنی، این است که حسن خلق و ذات پاک و طینت پاک داشته باشد. لذا می‌فرماید به اصل این مسأله توجه داشته باشید که اینها در زندگی مهم است. اما اینکه چگونه باید کشف شود، یک راه‌هایی وجود دارد که بحث دیگری است. در همین روایت هم اشاره شده که می‌فرماید به برادران و خواهران او نگاه کنید؛ به خانواده و پدر و مادر او نگاه کنی. د. بالاخره یک بخشی، از راه پرسش و جستجو درباره خصلت‌های خود شخص و بخشی از طریق خانواده، پدر و مادر، برادر و خواهر او بدست می‌آید.

سؤال:

استاد: این دو بحث است؛ اگر سخن از برادر و خواهر و دایی مطرح می‌شود که اینها شبیه به آنها می‌شوند، دو جهت باید در اینجا مورد توجه باشد: ۱. اینکه اینها فی الجمله طریق‌اند برای کشف شخصیت زن؛ موضوعیت ندارند. یکی از راه‌های پی

۱. کافی، ج ۵، ص ۳۲۳، ح ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۷، باب ۶ از ابواب مقدمات النکاح، ح ۱.

بردن به خصوصیات، این است. ۲. دیگر این که این به نوعی اشاره به عواملی است که تأثیرگذار در شخصیت انسان‌ها هستند، از جمله عامل وراثت، بالاخره عامل وراثت یک عاملی است که نمی‌توان آن را در تکون شخصیت افراد نادیده گرفت. البته معنای تأثیرگذاری وراثت این نیست که انسان جبراً تحت عوامل غیر ارادی به مسیر صحیح یا ناصحیح هدایت می‌شود. خیر؛ تأثیر عواملی مانند وراثت که مبین انعکاس و تأثیرگذاری افکار، خصلت‌ها و خصوصیات پدران و آباء و اجداد در فرزندان است، به این نحو است که اینها مقتضی را برای خطا و انحراف آماده می‌کند، نه این یک سرنوشت محتوم در انتظار کسی باشد که مثلاً پدر، برادر یا دایی او منحرف و خراب است. عمده این است که اینها گرایش این شخص را به سمت و سوی ناصواب تقویت می‌کند. ولی اگر کسی براساس مجاهدت و تلاش خودش یا هدایت و راهنمایی یک مربی و دوست، از این فضا بیرون آمد، روشن است که این شخص غیر از آنهاست؛ کأن یک زمین تازه ای برای پرورش یک نسل سالم و طیب و پاک فراهم شده است. آن استثنائات یا موارد کمی که برخلاف پدر و مادر و دایی و عمه، یک سبک و سیاق دیگری دارند، حسابش جداست. اینجا امام(ع) در مقام بیان این مطلب هستند که به این امور توجه کنید؛ اینکه یک بُعد زندگی با همسر، تولیدمثل و نسل است. نسلی که از این زندگی متولد می‌شود و همین طور استمرار پیدا می‌کند، مهم است که در چه فضایی تکون پیدا کند و در چه فضایی رشد کند. اینجا غرض این است که خصلت‌های اخلاقی، دینی، اعتقادی، حُسن خلق، مورد توجه و اهتمام قرار گیرد. این چیزی است که نباید از آن غفلت کرد؛ ممکن است کسی ازدواج کند و اصلاً به این موارد توجه نکند؛ چنین افرادی کم نیستند، مثلاً فقط به زیبایی ظاهری و مال او نگاه می‌کند.

سؤال:

استاد: اینجا دو مطلب است؛ یکی اینکه مردم نمی‌دانند. بله، مردم بسیاری از امور و مستحبات و مکروهات را نمی‌دانند. یک وقت هم این است که می‌دانند اما در مقام عمل چیزهای دیگری برای آنها مهم است. آیا همه به آنچه که می‌دانند عمل می‌کنند؟ بنده و جنابعالی می‌دانیم که عالم محضر خداست، ولی آیا ملتزم هستیم که هیچ گناهی نکنیم؟ بالاخره یک منافع و لذت‌هایی برجسته می‌شود که انسان تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرد. اینکه نمی‌دانند و یا عمل نمی‌کنند، بحث دیگری است. عمده این است که این تذکرات و تنبهاات باید مطرح شود تا یک فرهنگ شود. الان نگاه نکنند که چقدر عنوان و مال و زیبایی دارد؛ اینها برای او اصل نشود که آن وقت بگویند من یک دختر زیبا می‌خواهم ولو اینکه پدر و مادرش کافر باشند. بحث این است که فرهنگ باید درست شود؛ فرهنگ اسلامی این است؛ این فرهنگ باید تقویت و ترویج شود.

البته در مورد این روایت یک احتمال هم هست و آن اینکه این روایت اشاره به موقعیت و شرایط خاصی داشته باشد؛ چون تعبیر امام این است: «فان كنت لا بد فاعلا»، اگر ناچاری از ازدواج، به این امور توجه کن. در اینجا احتمال دارد که اشاره به موقعیت خاصی باشد؛ در یک موقعیت خاصی این توصیه شده است. تعبیر «فان كنت لا بد فاعلا»، کأن اگر ناچار شدی بین نسبت به او خیر و نیکی چطور است.

روایت چهارم: این روایت نیز از امام صادق(ع) است: «عنه(ع) إنما المرأة قلادة، فانظر ما تتقلد، و ليس للمرأة خطر لا لصالحتهن و لا لطالحتهن، فأما صالحتهن فليس خطرهما الذهب و الفضة، هي خير من الذهب و الفضة، و أما طالحتهن فليس

خطرها التراب، التراب خیر منها»^۱ طبق این روایت امام صادق(ع) می فرمایند: همسر مثل گردنبند است، پس بین چه چیزی را به گردنت می آویزی. چون زن هیچ معادلی ندارد، نه خویشان و نه بدشان؛ اما خوب هایشان نه طلا و نه نقره معادلشان نیست. زن صالح و پاکدامن و خوب و حسن الخلق، از طلا و نقره بهتر است. اما بد هایشان خاک هم معادلشان نیست، خاک بهتر از آنهاست. پس زن معادل ندارد؛ نه خویش معادل دارد و نه بدش. زن گردنبند است؛ بین چه گردنبندی را به گردنت می آویزی.

این چهار روایتی که خوانده شد، برای بیان این مطلب است که انسان توجه و دقت کند و اهتمام داشته؛ بی گذار و بدون مطالعه وارد نشود؛ به این امور در زندگی اهمیت دهد. چون جوانی، مستی، شور و هیجان جوانی گاهی چشم انسان را به این امور می بندد؛ هنوز وارد زندگی نشده و نمی داند که زن بد اخلاق یعنی چه، نمی فهمد که زن خوش اخلاق یعنی چه. آن چیزی که در آن ایام در ذهن او برجسته است، معلوم است که چیست. لذا این مطالب بیان می شود که بدانید اینها چیزهای مهمی است.

لزوم دقت در صفات مرد

تا اینجا مواردی که بیان شد برای مرد بود تا توجه کند همسری که می خواهد اختیار کند، چطور باشد. «و کما ینبغی للرجل أن ینظر فیمن یختارها للتزویج کذلک ینبغی ذلک للمرأة و أولیائها بالنسبة إلی الرجل». همان طور که سزاوار است مرد در مورد کسی که می خواهد او را برای ازدواج اختیار کند دقت کند، سزاوار است که زن هم در مورد مرد دقت کند؛ اولیاء دختر در مورد مرد دقت کنند. برای این منظور یک روایت ذکر می کنند:

«فعن مولانا الرضا(ع) عن آباءه (علیهم السلام) عن رسول الله (ص) أنه قال: "النکاح رقّ، فإذا أنکح أحدکم ولیدته فقد أرقّها، فلینظر أحدکم لمن یرقّ کریمته"»^۲. امام رضا(ع) از پدرانشان از رسول خدا(ص) نقل می فرماید که نکاح نوعی بندگی است؛ ازدواج در واقع یک نوع بندگی است. پس اگر یکی از شما فرزند و دختر خودش را به نکاح دیگری در می آورد، در واقع طوق بندگی را به گردن او می اندازد؛ پس شما باید دقت کنید که کریمه و دختر خودتان را به بندگی چه کسی در می آورید. البته تعبیر به بندگی، یک تعبیر کنایی است؛ اینطور نیست که منظور این باشد که زن، بنده مرد است. بلکه بیان یک حالت سلطه و سلطنتی است که به طور طبیعی مرد نسبت به زن دارد. این حالت سلطنت و قاهریتی که مرد در زندگی به طور طبیعی به عنوان مسئول خانواده نسبت به اعضای خانواده دارد، کأن اینها را در تحت اختیار و سلطه او قرار می دهد؛ و قطعاً منظور رقیّت و بندگی به آن معنا نیست. می گوید این دختر به محیطی می رود که در اختیار مرد قرار می گیرد؛ نگاه کنید که او را در اختیار چه کسی قرار می دهید؛ او را زیر سلطه چه کسی قرار می دهید.

پس اصل تأمل در مورد مرد نیز از ناحیه زن لازم است. فردا مسأله ۲ را بیان خواهیم کرد.

«الحمد لله رب العالمین»

۱. معانی الاخبار، ص ۱۴۴، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۳، باب ۶ از ابواب مقدمات النکاح، ح ۱۶.

۲. امالی شیخ طوسی، ص ۵۱۹، ح ۱۱۳۹؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۷۹، باب ۲۸ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۸.